



غناي معرفتي اسلام

در زیر سه اصل اسلام، میدان برای پذیرش شرف است: هم پذیرش علمی، هم پذیرش عملی، هم پذیرش اخلاقی، هم پذیرش عزت و اعتدالی مدنی و هم آزادی و عدالت و آرمانهای بزرگ انسانی. در محط اسلامی و زیر سه اصل اسلام، هیچ حجاب و حدی برای انسان وجود ندارد. بی‌همتایی و کم‌همتی ما است، کوتاهی انسانها است که نمی‌گذارد آنها از اسلام استفاده کنند. در محط اسلامی، بازگشت به اسلام و بهره‌بردن از معارف اسلام، کاری عظیم است که اگر روشنفکران و اندیشمندان و دانشمندان و اهل علم و معرفت در هر کشوری از کشورهای اسلام به آن بپردازند، خواهند توانست بهره‌هایی از ادبی ببرند [1].

معارف شایسته در اوج اعتلا است. [2]

لزوم فهم صحیح از متون دینی

(نکته آبی که در اینجا بسیار حائز اهمیت است، این است که) اسلام را آن‌چنان که فهم صحیح انسانی و در متون اصلی اسلامی هست، باید فهمید، باید دانست و با هدایت قرآنی از آن بهره‌برد. خود قرآن «تب اننا لکل شیء» است؛ راهنما است، در آن است، خط است.

در جوامع اسلامی، به اهل فکر و نظر تلقین می‌کنند - که این تلقین هم دنباله‌هایی همان تسلط فکری غرب و فرهنگ غربی است که از سه طره تفکر اسلامی و مهمه دارد - که اسلام را با سستی با ابزار و با فهم معارف غربی دانست! این طور نیست. البته همه معارف، انسان را آنگاه می‌کنند و برای فهم بهتر مجهز می‌نمایند، اما اسلام را از خود اسلام باید گرفت، حقایق اسلام را از متون اسلام باید گرفت، حقایق اسلام را با مصطلحات خود اسلام با سستی دانست و فهمید و مورد عمل قرار داد.

[3]

## متون اصیل اسلامی

اسلام مشعل راهنمایی فکر و ذهن انسانها و هدا تگر انسانها است. قرآن، کتاب هدا ت و کتاب نور است. آن کسانی که به قرآن مراجعه و تدبر می کنند و زمه نه لازم و استعداد لازم را در خود به وجود می آورند، برای آن که از معارف قرآن استفاده کنند، آنها می توانند از قرآن بهره ببرند. [4]

انس با قرآن، یکی از راههای (است) که در اعتقادات انسان، در مبانی فکری انسان، در روح انسان، در ایمان انسان عمق ایجاد می کند. [5] انس با قرآن، معرفت اسلامی را در ذهن ما قوت و عمق می بخشد. بدبختی جوامع اسلامی، به خاطر دوری از قرآن و حقایق و معارف آن است. [6]

(در مورد جامعه ما هم باید گفت) چه قدر مفاهیم اسلامی در قرآن هست که اگر ما بخواهیم در فقه بحث کنیم، به فکر آنها نمی افتیم. این انزوای قرآن در حوزه های علمیه و عدم انس ما با قرآن، برای ما خیلی مشکلات درست کرده است و بعد از این هم خواهد کرد و به ما تنگ نظری خواهد داد.

من یک وقت در سالهایی قبل از انقلاب در مشهد در درس تفسیر، به طلبه ها می گفتم که ما از اول «بدان ا دیک الله» تا وقتی که ورقه اجتهادمان را می گیریم، می توانیم حتی یک بار به قرآن مراجعه نکنیم! یعنی وضع درسی ما این طوری است که اگر طلبه ای از ابتدا حتی یک بار به قرآن مراجعه نکند، می تواند همین رشته ما را از اول تا آخر سر کند و مجتهد بشود! چرا؟ چون درس ما اصلاً از قرآن عبور نمی کند. متأسفانه حالاً هم که نگاه می کنیم، می بینیم همان طور است. ما در فقه گاهی مثلاً یک آیه قرآن را ذکر می کنیم، آن هم خیلی روش کار و تحقیق نمی شود؛ به قدری که در روایات ما بحث می شود و کار می شود. (آری، قرآن از حوزه ما منزوی است. [7])

اهتمام به حدیث، پس از تمسک به کتاب حکیم حمید، برترین وظیفه ای است که عالم دین بدان مکلف است، این استثناء از انوار علم و حکمتی است که از کلام و تعلیم و هدا ت پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و آئمه معصومین از اهل بیت آن حضرت علیهم الصلوات و السلام ساطع می گردد و خرد و اندیشه انسانی را دستگیر و راهنمایی و زندگی بشر را برخوردار از سلوک حکمانه و خردمندانه می کند. و چنین است که حضرت ابی جعفر علیهم السلام به جابر می فرماید: «اجابری! والله لحدیث تصبه من صادق فی حلال و حرام خیر لک مما طلعت علیها الشمس حتی تغرب».

در تاریخ علم دین، جمع حدیث و حمل و فهم و درک و شرح آن، یکی از بزرگترین و طولانی ترین فصول است و با یک نظر، حدیث، مادر بسیاری از علوم اسلامی و اهمه آنها است و از این رو است که عالم دین شناس بزرگ اقدام، شیخ کلینی رحمه الله تعالی در مقدمه کتاب کافی شرح حدیث را برابر با علم دین دانسته و آن را محور علم و ایمان به شمار آورده است. دقت و بار یک بدینی فقهاء و علمای برجسته سلف در امر حدیث و چگونگی تحمل آن و

شرائط وثوق به روايت و دیگر آنچه در این باب بر اهلس آشکار است، همه از هم بی اهميت و عظمت شأني که درباره حدیث و تأثیر آن در سرنوشت فرد و جامعه سرچشمه می‌گردد.

امروز درباره حدیث، به تدقیق و جداسازی سره از ناسره و راست از دروغ و مسلم از مشکوک و نیز به تأمل در فهم معضلات و مفاد و مضمونهای اساسی در آن و نیز به تطبیق آن نسبت به کلام الله عز و جل و نیز به شرح و بسط عالمانه و محققانه و نیز به نشر و همگانی کردن آنچه همگان را به کار خواهد آمد و بسی خدمات و تلاشهای دیگر، از بی‌میرم و سازماندهی شده وجود دارد. در کنار این همه، پردازش علم رجال، و نیز بررسی تاریخ صدور حدیث و سیر آن و نیز کسب آگاهی از آن زمینه‌ای که صدور هر حدیثی را لازم اراجح ساخته است و نیز جستجو از مضمونهای مشابه در کتب حدیثی اهل سنت، از جمله کارهای لازم و ضروری است. [8]

یکی (دیگر) از راههای که در اعتقادات انسان، در مبانی فکری انسان، در روح انسان، در ایمان انسان عمق ایجاد می‌کند، دعاهای معتبر، خلی معارف وجود دارد که انسان آنها را در هیچ جا پیدا نمی‌کند، جز در خود هم این دعاهای از جمله این دعاهای صحیفه سجادیه است. در منابع معرفتی ما چیزی پیدا می‌شود که جز در صحیفه سجادیه در دعاهای مأثور از ائمه علیهم السلام انسان اصلاً نمی‌تواند آنها را پیدا کند. این معارف با زبان دعا بیان شده، نه این که خواستند کتمان کنند، طبیعت آن معرفت، طبیعتی است که با این زبان می‌تواند بیان شود، با زبان دیگری نمی‌تواند بیان شود. بعضی از معارف هم جز با زبان دعا و تضرع و گفتگو و نجوای با پروردگار عالم اصلاً قابل بیان نیست. لذا ما در روايات و حتی در نهج البلاغه از این گونه معارف کمتر می‌بینیم، اما در صحیفه سجادیه و در دعای که در مناقبات شعبانیه و در دعای عرفه امام حسن علیه السلام و در دعای عرفه حضرت سجاد علیه السلام و در دعای ابو حمزه ثمالی از این گونه معارف، فراوان می‌بینیم [9] (که اگر کسی آنها را بخواند و بفهمد، علاوه بر این ارتباط قلبی و اتصالی که به ذات اقدس الهی و حضرت ربوبی پیدا می‌کند، تکمیل معارف را هم از این دعاهای فراهم می‌گردد. [10]

امیدواریم خدای متعال تفضل کند که ما بتوانیم به برکت تمسک و توسل به ذیل عنایت پروردگار و استفاده از آیات کریمه قرآن و کلمات نبوی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام، آن وسایله اساسی را که اسلام با آن توانسته است موفقتهای خود را به وجود آورد - که آن انسان‌سازی است - تأمین کنیم و این راه را با نیرو و نشاط بیشتری ادامه دهیم.

[11]

[1]. 26/8/1377

[2]. 5/5/1384

26/8/77 [3].

26/8/77 [4].

17/7/84 [5].

10/01/1369 [6].

31/06/1370 [7].

22/08/1374 [8].

17/7/84 [9].

21/7/85 [10].

07/09/1376 [11].